ویژه

برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در ۹۸ کشور دنیا

معاون کنسولی وزارت امور خارجه ایران از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در ۹۸ کشور دنیا خبر داد.

به گزارش ایسنا، بامداد جمعه زنگ آغاز دور دوم چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در خارج از کشور، از نیوزیلند به صدا درآمد و اولین رأی در این کشور واقع در جنوب‌غرب اقیانوس آرام به صندوق انداخته شد.

در این دور از انتخابات «مسعود پزشکیان» و «سعید جلیلی» با هم رقابت می‌کنند.

«علیرضا بیکدلی» معاون کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز جمعه و در جمع خبرنگاران با بیان این‌که «امروز انتخابات در ۹۸ کشور دنیا و در ۱۳۸ نمایندگی ایران در حال برگزاری است»، گفت: «انتخابات از ساعت هشت صبح به وقت محلی در تمامی این ۹۸ کشور درحال برگزاری است».

«علیرضا محمودی» رئیس ستاد برگزاری انتخابات در خارج از کشور روز چهارشنبه به ایسنا گفت: «همه نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با همان شرایط و کیفیت دور اول انتخابات، دور دوم چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را برگزار می‌کنند و احتمال افزایش شعب با هماهنگی وزارت کشور نیز وجود دارد».

طبق آخرین خبرها دور دوم انتخابات در ۳۴۶ شعبه در سراسر جهان برگزار شد. از تعداد صندوق‌های در نظر گرفته شده برای برگزاری انتخابات در خارج از کشور، بیشترین صندوق رای برای اخذ آرای ایرانیان خارج از کشور در آمریکا قرار دارد. با وجود پیگیری‌های ایران برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران در کانادا و مشارکت ایرانیان مقیم این کشور در انتخابات، اما این کشور مجوز برگزاری را صادر نکرد و طبق هماهنگی‌های انجام شده ایرانیان مقیم کانادا می‌توانند برای مشارکت در انتخابات به محل اخذ رای در شهرهای سیاتل و بوفالو در مرز کانادا با آمریکا بروند.

محمودی همچنین در گفت‌وگو با ایسنا، درباره تامین امنیت شعب اخذ رای و رای‌دهندگان خاطرنشان کرد: «در مورد بحث امنیت رای‌دهندگان، نامه‌نگاری‌ها و رایزنی‌های مجددی با کشورهای میزبان جهت برگزاری انتخابات از سوی وزارت خارجه ایران و روسای نمایندگی ما در کشورهای مقصد انجام شده است و بر این موضوع تاکید شده که علاوه بر تامین امنیت فیزیکی رای‌دهندگان، می‌بایست امنیت و آسایش روانی آن‌ها نیز تامین شود».

تروریسم

طالبان و جبهه مقاومت ملی افغانستان

«لوک کافی» در یادداشتی برای «دیدبان یوروآسیا» می نویسد ؛ از زمان بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، توجه بین‌المللی بیشتر بر وخیم‌تر شدن وضعیت انسانی در این کشور متمرکز بوده است. میلیون‌ها افغان در فقر زندگی می‌کنند و وضعیت اقتصادی همچنان تاریک است.

در این ماه همچنین افغانستان به نقطه عطف نامطلوبی رسید: بیش از ۱۰۰۰ روز از زمانی که دختران جوان نتوانستند به مکتب بروند، می‌گذرد.

اما داستان دیگری وجود دارد که بارقه‌ای از امید را به کشور می‌دهد و سزاوار توجه بیشتر است: فعالیت‌های جبهه مقاومت ملی افغانستان (NRF).

جبهه مقاومت ملی افغانستان اصلی‌ترین گروه مخالف مسلح غیر افراطی است که طالبان با آن روبرو هستند. رهبر آن احمد مسعود، فرزند احمد شاه مسعود فقید است که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تلاش‌های مقاومت علیه شوروی و طالبان را رهبری کرد.

هنگامی که طالبان در ماه اوت ۲۰۲۱ به کابل آمدند، مسعود به وطن اجدادی خود در دره پنجشیر که عمدتاً به لحاظ قومی تاجیک بودند، بازگشت. این منطقه که به عنوان یکی از تسخیرناپذیرترین مناطق افغانستان شناخته می‌شود و در حدود ۱۰۰ کیلومتری شمال کابل قرار دارد، مکان مناسبی برای ایجاد جنبش مقاومت بود. هزاران نفر از نیروهای ارتش، پلیس و سایر مقامات امنیتی افغانستان که توسط ایالات متحده رها شده بودند، اما می‌خواستند به مبارزه با طالبان ادامه دهند، به او پیوستند.

تقریباً سه سال بعد از این رویداد، NRF سه هدف اصلی دارد. اول رهبری تلاش‌ها در میان گروه‌های مختلف ضد طالبان برای هماهنگی و هماهنگی فعالیت‌هایشان. یکی از بسترهای اصلی برای دستیابی به این هدف، هفته آینده در اتریش، زمانی که فرآیند موسوم به وین چهارمین نشست خود را برگزار می‌کند، ادامه خواهد یافت.

روند وین راهی را برای گروه‌های مختلف ضد طالبان ارائه می‌دهد تا با یکدیگر ملاقات کنند و در صورت لزوم، تلاش‌های خود را هماهنگ و همسو کنند. اولین نشست از این دست در سپتامبر ۲۰۲۲، یک سال پس از قدرت گرفتن مجدد طالبان، برگزار شد. نتیجه این نشست این بود که مسعود بالفعل رهبر مقاومت ضد طالبان شد.

با این حال، کاملاً واضح است که روند وین تنها یک پلتفرم برای جمعیت قومی تاجیک افغانستان نیست. بیش از ۵۰ گروه در آخرین نشست آن در دسامبر ۲۰۲۳ شرکت کردند. آنها شامل نمایندگان اقلیت‌های هزاره، ازبک و حتی سیک بودند.

رویداد

انتقاد باقری از رویکرد ضد ایرانی کانادا

سرپرست وزارت خارجه ایران با بیان اینکه «برخی دولت‌های غربی از حق مردم ایران برای مشارکت در انتخابات صیانت نکردند» گفت: تروریست‌ها همواره در مقابل مردم سالاری ایستاده‌اند و کانادا نیز با اقدامات اخیر خود، جهت شرکت در انتخابات، در این مسیر حرکت کرد.

به گزارش ایسنا، «علی باقری» سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز جمعه گفت آرای مردم و مشارکت گسترده آن‌ها در انتخابات یک پشتوانه قوی برای مسیر پیشرفت کشور است و موجب افزایش وحدت و انسجام در کشور خواهد شد.

باقری که پس از انداختن رأی خود در صندوق، در جمع خبرنگاران در ستاد انتخابات در خارج از کشور صحبت می‌کرد، تاکید کرد که «با حضور با شکوه مردم در انتخابات، از روز شنبه فصل جدیدی را در عرصه پیشرفت و مردم سالاری اسلامی در کشور شاهد خواهیم بود».

این دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه انتخابات همواره یک جشنواره مردم سالاری اسلامی در کشور است، گفت: مردم با شرکت در انتخابات در کنار اینکه رای می‌دهند، سرنوشت و آینده خود و کشور را تعیین می‌کنند و در این امر سهیم می‌شوند.

تک تک آرای مردم؛ یک مولفه پشتیبان و حامی نظام

باقری با تاکید بر این موضوع که نظام جمهوری اسلامی ایران متکی به آرا و نظر مردم است، ادامه داد: تک تک آرای مردم به عنوان یک مولفه پشتیبان و حامی نظام جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند.

سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران خاطرنشان کرد: در کشور، مولفه‌های مختلف قدرت را شاهد هستیم و انتخابات یکی از جلوه‌هایی است که خود به تنهایی می‌تواند به عنوان مولفه قدرت عمل کند و از طرف دیگر پشتیبان دیگر مولفه‌های قدرت نیز هست.

باقری در ادامه صحبت‌های خود، گفت که «وزارت خارجه دارای یک رسالت دینی و ملی برای فراهم کردن زمینه جهت مشارکت پرشور مردم و ایرانیان خارج از کشور در انتخابات است و در این ارتباط در این دوره تلاش کردیم که نسبت به دوره‌های قبل تسهیلات بیشتری را برای شرکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات فراهم کنیم».

اردوغان برای ترمیم روابط با اسد به آب و آتش می‌زند

نیاز حیاتی آنکارا به آشتی با دمشق

المجله در گزارش مفصلی می‌نویسد ؛«بشار اسد» با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و احیای روابط دیپلماتیک با کشورهای عربی به پیروزی بزرگی دست یافت هرچند کشورهای عربی همچنان انتظار دارند که وی به تعهدات خود در ازای عادی‌سازی روابط عمل کند.

به نظر می‌رسد ترکیه که یک وزنه سنگین منطقه‌ای است، ایده «سوریه بدون اسد» را رها کرده و اکنون به دنبال روابط و همکاری با دمشق است. آنکارا با میانجیگری روسیه در سال ۲۰۲۱ در سطح سرویس‌های اطلاعاتی با دمشق ارتباط برقرار کرد و به دنبال آن دیدارهایی بین وزرای دفاع و خارجه دو کشور برگزار شد.

اما نشست مورد انتظار اردوغان و اسد برای نهایی کردن توافق به دلیل اصرار سوریه بر خروج نیروهای ترکیه از خاک سوریه برگزار نشد، پیش‌شرطی که ترکیه آن را غیرقابل قبول دانست.

به نظر می‌رسد این پیش‌شرط‌ها کنار گذاشته شده است؛ اردوغان روز جمعه به خبرنگاران گفت که آماده استفاده از فرصت‌ها برای احیای روابط با سوریه و رئیس جمهوری آن است.

اخیرا نیز یاشار گولر، وزیر دفاع ترکیه، گفت که در صورتی که سوریه شرایط خاصی از جمله تصویب یک قانون اساسی فراگیر، برگزاری انتخابات آزاد، عادی‌سازی فراگیر روابط و ایجاد یک محیط امن را برآورده کند، ترکیه نیز به خروج نیروهایش از سوریه فکر خواهد کرد.

شرط دمشق برای آنکارا

از سوی دیگر، اسد استقبال خود را از تمام ابتکار عمل‌های مربوط به روابط بین سوریه و ترکیه «بر اساس حاکمیت دولت سوریه بر تمام قلمرو خود» ابراز کرد.

«فیصل مقداد»، وزیر امور خارجه سوریه نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی با همتای ایرانی خود مواضع قبلی خود را ملایم‌تر کرد و گفت که سوریه به دنبال دریافت تضمین‌های مشخص از ترکیه پیش از هرگونه تعامل دیپلماتیک است و انتظار اقدامات ملموس فوری را ندارد.

اخیراً «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه ترکیه در سفر به مسکو با همتای خود سرگی لاوروف و نیز رئیس جمهوری روسیه دیدار کرد و مسئله سوریه در دستور کار مذاکرات دو طرف بود.

موضع روسیه درباره روند عادی‌سازی روابط ترکیه و سوریه مهم است، به ویژه از آنجا که روابط ترکیه و روسیه به اندازه گذشته گرم نبوده است. اگرچه روسیه بین ترکیه و سوریه میانجیگری می‌کند، اما همیشه بر روند عادی‌سازی‌ای تأکید می‌کند که در خدمت منافع خودش باشد.

اردوغان و پوتین در نشست سازمان همکاری شانگهای با یکدیگر دیدار کردند. گفته شده که مساله دمشق هم در خلال گفت و گوهای روسای جمهوری ترکیه و روسیه مطرح شده؛ به خصوص که در مدت اخیر تحولات جالب توجهی در سوریه در حال آشکار شدن است.

جلسه پنهانی در پایگاه روسی

منابع آگاه می‌گویند که جلسه اخیر در پایگاه هوایی حمیمیم در جنوب شرقی شهر لاذقیه بین مقامات امنیتی ترکیه و سوریه، احتمالاً در سطح فرماندهان میدانی و پرسنل امنیتی برگزار شد، در حالی که رسانه‌های نزدیک به دولت سوریه چنین ملاقاتی را اساسا رد کردند. تحولات در ادلب، جایی که هواپیماها و پهپادهای سوریه‌ای و روسی همچنان به حمله به گروه «تحریر الشام» و سایر اهداف در منطقه تحت کنترل شورشیان ادامه می‌دهند، باید در دستور کار قرار گرفته باشد. ترکیه نگران است که تشدید تنش در ادلب و مناطق همسایه، جایی که بیش از چهار میلیون سوری در آن زندگی می‌کنند، بار دیگر به هجوم گسترده پناهندگان به خاک ترکیه بینجامد.

میانجیگری روسیه نیز به نظر می‌رسد به تحولات در زمینه اقتصادی منجر شده است، زیرا گذرگاه ابو الزین در نزدیکی شهر الباب، که مناطق تحت کنترل ارتش ملی سوریه و حکومت سوریه در شرق حلب را به هم متصل می‌کند، به روی کاروان‌های تجاری باز شد.

«الکساندر لاورنتیف»، فرستاده ویژه ریاست جمهوری روسیه به سوریه، اخیراً به دمشق رفت و با رئیس جمهور سوریه دیدار کرد. این بار اسد بیانیه‌ای کلی صادر کرد و در آن گفت که سوریه برای بررسی همه ابتکار عمل‌ها برای بهبود روابط با ترکیه آماده است، به شرطی که این ابتکار عمل‌ها با رعایت حاکمیت دولت سوریه بر تمام قلمرو خود و مبارزه با تمام اشکال تروریسم همراه باشد.

بازی متفاوت بغداد

از سوی دیگر، عراق نیز پس از سفر رسمی اردوغان در آوریل ۲۰۲۴ به‌عنوان یک واسطه صلح ظاهر شده است. عراق که با میانجیگری بین عربستان سعودی و ایران و سپس بین مصر و ایران به اعتبار دیپلماتیک دست یافته، ممکن است با میانجیگری بین ترکیه و سوریه به دنبال رقم زدن یک موفقیت تازه باشد.

از لحاظ جغرافیایی، این سه کشور با چالش‌ها و منافع مشترک مانند مقابله با فعالیت‌های پ.ک.ک/ی. پ. گ، مبارزه با داعش، آب‌های مشترک و همکاری‌های اقتصادی محدود شده‌اند. اما شانس عراق برای دستیابی به یک دستاورد در مقایسه با آنچه روسیه می‌تواند به دست آورد، پایین‌تر به نظر می‌رسد.

در این میان، ایران که پیش از ناآرامی‌های سوریه در سال ۲۰۱۱ بخشی از نفوذ خود در سوریه را به ترکیه باخته بود، احتمالاً به شدت از موقعیت ممتازی که در طول جنگ داخلی سوریه به دست آورد، محافظت خواهد کرد و معلوم نیست تا چه حد از نزدیکی ترکیه و سوریه حمایت کند.

مساله حیاتی ترکیه

ترکیه با دو موضوع اصلی مربوط به سوریه مواجه است: امنیت و پناهندگان سوری. بسیاری از ترک‌ها از جمله حامیان حزب حاکم عدالت و توسعه اردوغان و دولت او را مسئول اجازه دادن به میلیون‌ها سوری برای ورود به ترکیه در قالب سیاست درهای باز می‌دانند. اردوغان آگاه است که این سیاست برای او در انتخابات هزینه زیادی داشته و اکنون ادعا می‌کند که اقدامات اخیر او به بازگشت حدود نیم میلیون از ۳٫۶ میلیون سوریه‌ای پناهجو در ترکیه منجر شده است و انتظار می‌رود که در چارچوب برنامه دولت با عنوان «بازگشت داوطلبانه، امن و شرافتمندانه» این آمار افزایش پیدا کند.

در حالی که جزئیات این طرح مشخص نیست، بسیاری از ترک‌ها تردید دارند که همه پناهندگان سوری بتوانند بازگردانده شوند.

ترکیه رویکرد خود را تغییر داده و متوجه شده که تعامل با اسد برای رسیدگی به مسأله پناهندگان ضرورت دارد، زیرا کنترل دمشق در دست اسد است و می‌تواند به تعریف یک نقشه راه برای بازگشت سوری‌های باقی مانده کمک کند. اسد از این اهرم برای فشار آوردن به دولت ترکیه برای برآورده کردن شرایط خود استفاده می‌کند.

در جبهه امنیتی، ترکیه نگران است که یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ.) و شاخه غیرنظامی آن، حکومت خودمختار نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)، در پی ایجاد یک منطقه خودمختار در مناطق کردنشین سوریه در مرزهای ترکیه باشند.

اردوغان مدت‌هاست که بر عزم ترکیه برای جلوگیری از ایجاد یک «دولت تروریستی» در امتداد مرزهایش به هر قیمتی تاکید کرده است. ترکیه به شدت به انتخابات محلی برنامه‌ریزی شده برای مناطق تحت کنترل کردها، که دو بار در ۳۰ مه و ۱۱ ژوئن به تعویق افتاده است، اعتراض کرد.

احزاب سیاسی نزدیک به حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی در اربیل این انتخابات را تحریم و ادعا کردند که این انتخابات عادلانه نخواهد بود و «حزب اتحادیه دموکراتیک» را متهم کردند که مردم را مجبور به رای دادن به نامزدهای خود با زور اسلحه می‌کند.

تغییر موضع واشنگتن

ایالات متحده که از قسد حمایت می‌کند، نیز در اقدامی غیر منتظره، اجرای این انتخابات را در شرایط کنونی ناممکن دانست و تأکید کرد که شرایط لازم برای برگزاری انتخابات آزاد، عادلانه، شفاف و فراگیر، وجود ندارد. البته این موضع واشنگتن را نباید نشانه‌ای از تغییر در سیاست ایالات متحده یا کنار گذاشتن اتحاد آن با قسد تفسیر کرد، این تنها یک اقدام تاکتیکی برای جلوگیری از انزوای بیشتر ترکیه است.

تنها چند روز پیش،هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: "۲٫۵ عضو فعال جامعه بین‌المللی هستند که ما با آن‌ها در رابطه با قسد مشکل داریم، که شامل ایالات متحده، انگلستان و تا حدودی فرانسه می‌شود."

مسأله سوریه مملو از پیچیدگی و عدم قطعیت است و مسائل بین‌المللی از جمله نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آینده امریکا به شدت بر آن تأثیر می‌گذارد. دونالد ترامپ، یک نامزد قوی، به تمایل برای خروج از سوریه و دیگر نقاط مهم جهان شناخته شده است.

جامعه بین‌المللی از جنگ طولانی و پرهزینه سوریه خسته شده است و بحران‌های اوکراین و غزه را در اولویت قرار می‌دهد. با این حال، بحران سوریه هنوز به پایان نرسیده است و عوامل زیادی وجود دارد که می‌تواند منجر به تجدید جنگ داخلی شود.

بازیگران کلیدی مانند ترکیه، ایران، ایالات متحده، روسیه و برخی از کشورهای عربی در تعیین آینده سوریه بسیار مهم هستند. با این حال، کلید صلح پایدار تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا اسد واقعاً مایل به پیروی از مسیر مشخص شده در قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت است یا نه.

اسد قصد دارد قدرت خود را تحکیم کند، اما از زمان آغاز ناآرامی‌ها در سال ۲۰۱۱، رویکرد اغلب سازش‌ناپذیر خود را تغییر نداده است. وضعیت سویداء در جنوب، اقدامات نمادین علیه تولید و قاچاق کپتاگون و سیاست‌ها و لفاظی‌های غیرمتقاعد کننده که مانع بازگشت پناهندگان سوری می‌شود، تنها برخی از دلایلی است که باعث می‌شود بسیاری اسد را واقعاً خواستار حل مسالمت‌آمیز بحران نبینند.

اما حتی اگر اقدامات و مواضع اسد امیدوارکننده نباشد، روابط بین‌المللی غیر قابل پیش‌بینی است و تغییرات اساسی می‌تواند یک‌شبه رخ دهد. در این زمینه، روابط ترکیه و سوریه به‌ویژه سزاوار پیگیری دقیق است.

اردن در میان ایران و سوریه، اسرائیل و آمریکا

«وای نت» در گزارشی می‌نویسد؛ ارتش اردن برای چندین دهه به عنوان لژیون عرب شناخته می‌شد و عموماً توسط ژنرال های انگلیسی اداره می‌شد اما امروزه آمریکایی‌ها بیشتری کمک را به این ارتش می‌کنند. با این وجود، ارتش اردن، ارتش با ثباتی است که در کشور کودتا نمی‌کند و همیشه هدف اعلام شده خود، یعنی حفاظت از رژیم هاشمی را با موفقیت دنبال می‌کند.

اسرائیل نقش مهمی در تصمیم آمریکا برای کمک به اردنی ها دارد. در اوایل سال ۱۹۵۸، اسرائیل سیاست جدیدی تدوین کرد که تا به امروز پابرجاست. براساس این سیاست، امنیت اسرائیل با تمامیت ارضی اردن باید به عنوان سپر دفاعی اسرائیل گره خورده است. آمریکایی ها با حمایت اسرائیل برای تقویت دولت اردن به شرط عدم استقرار در کرانه باختری به فروش تانک، هواپیما و سایر تجهیزات به اردن اقدام کردند. همچنین افسران ارتش اردن نیز در کالج های نظامی در ایالات متحده و بریتانیا آموزش می‌بینند. اردن نیز مانند اسرائیل متحد ایالات‌متحده است که عضو ناتو نیست و رابطه آن با ایالات متحده از اهمیت نظامی مهمی برخوردار است.

پروفسور اسحاق توضیح داد که این کشور پس از اسرائیل بزرگترین کمک نظامی را از ایالات متحده دریافت می‌کند، یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار، بیشتر از آنچه مصر دریافت کرده است. او گفت: «چند سال پیش، توافقی محرمانه بین اردن و ایالات متحده امضا شد که به ارتش آمریکا اجازه دسترسی آزاد به ۱۲ پایگاه نظامی اصلی در این کشور را می‌داد. این قرارداد با دستور ویژه شاه امضا شد، بدون اینکه اطلاعاتی برای تصویب به مجلس ارسال شود و فقط به نخست وزیر ابلاغ شد.»

اردن از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار نیست، اما با وجود این، دولت بودجه دفاعی سال ۲۰۲۴ را برای مقابله با چالش های جدید افزایش داده است.

براساس گزارشی در الجزیره از آغاز سال، پارلمان اردن بودجه ای را تصویب کرد که از نظر هزینه های نظامی بزرگترین بودجه در تاریخ محسوب می‌شود. با وجود بودجه هنگفت، قدرت نظامی اردن در رتبه ۸۰ از ۱۴۵ کشور قرار دارد.

موضع ایران مقابل حمله احتمالی اسرائیل به لبنان

«جواد الهنداوی»، دیپلمات سابق عراقی می‌نویسد؛ سؤالات متعددی در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای دست به دست می‌شود؛ از جمله اینکه:

وقتی رژیم صهیونیستی جنگ علیه حزب الله یا جنوب لبنان را آغاز کند، موضع ایران چگونه خواهد بود؟ زیرا تقابل میان رژیم صهیونیستی و حزب الله در شمال فلسطین اشغالی و جنوب لبنان از هشتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، یعنی زمان عملیات «طوفان الاقصی» آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. معیار رژیم صهیونیستی برای تهدید به جنگ همه جانبه چیست؟ آیا به معنای بمباران هوایی بیروت، پایتخت یا تأسیسات نظامی و حیاتی لبنان است؟

اگر مشکل رژیم صهیونیستی جنوب لبنان و حزب الله است، چرا به حمله زمینی و هوایی به جنوب لبنان بسنده و حساب خود را با حزب الله تسویه نمی‌کند؟

نفع رژیم صهیونیستی در صورتی که ماشین نظامی آن فرودگاه بیروت و زیرساخت‌های این کشور را هدف قرار دهد، چیست؟ به گزارش راهبرد معاصر،این سؤالات نه تنها از طرف صهیونیست‌ها، بلکه برای کسانی که با حزب الله دشمنی دارند مطرح می‌شود. هدفم از طرح سؤالات بالا نشان دادن میزان تمایلات نازیسمی و سادیستی بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی است که به طور ضمنی می‌گوید دشمنش لبنان نیست، بلکه باید تسلیحات، حضور و تجمع متحدانش در جنوب از بین برود و در این راستا لبنان را به جنگ همه جانبه تهدید کرد.

جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا وی را نصیحت، التماس و گاهی تهدید می‌کند کمک‌ها و تسلیحات را قطع خواهد کرد تا به جنگ لبنان نرود. بایدن «به خاطر انسانیت یا چشمان نتانیاهو» این کارها را برای لبنانی‌ها انجام نمی‌دهد، بلکه به دلیل ترس از پیامدهای منفی این روند بر شانس پیروزی اش در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، وضعیت نظامی، اقتصادی و مردمی کشورش است که برای جنگ میان رژیم اشغالگر و لبنان مناسب نیست و همه این موارد به زیان رژیم صهیونیستی تمام خواهد شد. اگر این دلایل نبود، آمریکا حتی لحظه ای در کشاندن رژیم صهیونیستی به جنگ تردید نمی‌کرد. تنها تردید رژیم صهیونیستی و آمریکا برای جنگ، احتمال شکست و اطمینان نداشتن از حجم ویرانی رژیم صهیونیستی در تقابل با مقاومت لبنان است.

چرا نتانیاهو به حمله زمینی و هوایی به جنوب لبنان بسنده نمی‌کند؟

پاسخ این است، وی جرئت حمله به جنوب لبنان و تأسیسات مقاومت را ندارد و مطمئن است ارتش صهیونیستی از حزب الله شکست خواهد خورد؛ بنابراین برای القای پیروزی به دنبال تهدید به هدف قرار دادن سرمایه، تأسیسات و زیرساخت‌هاست. برای نتانیاهو قتل عام غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌ها و کشتن مردم بی گناه پیروزی به شمار می‌رود و صحنه‌های غزه گواه این مدعاست. ۱۴ مارس یک فرمانده ارشد ایرانی به لبنان سفر و با سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان دیدار کرد. سید مقاومت لبنان گفت: حزب الله نمی‌خواهد پای ایران به جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا کشیده شود. ما به تنهایی می‌جنگیم».

استراتژیک

واکاوی اهداف طرح اخراج اتباع افغانستان از پاکستان

«مهدی سهرابی» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می نویسد؛ مردم افغانستان از دهه‌ی ۱۹۷۰ م. به این سو در صدر فهرست جمعیت مهاجر و پناه‌جوی جهان قرار دارند. این مهاجرت‌ها در مقاطعی نظیر تجاوز شوروی به افغانستان، آغاز جنگ‌های داخلی، حکومتداری اول طالبان و ... شدت می‌گرفت و با برقراری موقت امنیت در این جغرافیا، از شیب آن کاسته می‌شد. آخرین موج مهاجرت از افغانستان، در سال ۱۴۰۰ همزمان با فروپاشی دولت اشرف غنی و به قدرت رسیدن مجدد طالبان شکل گرفت. در این برهه طبق آمار دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل (اوچا)، بیش از ۱٫۶ میلیون نفر از اتباع افغانستان از طریق مبادی رسمی و غیر رسمی به کشورهای همسایه به‌ویژه ج.ا.ایران و پاکستان مهاجرت کرده و بر تعداد اتباع افغانستانی این دو کشور افزودند؛ البته آمارهای رسمی پاکستان و ج.ا.ایران در این خصوص به مراتب بیش‌تر است.

اخراج اتباع غیر مجاز افغانستانی

پس از گذشت بیش از دو سال از آخرین موج مهاجرت اتباع افغانستان، «سرفراز بوگتی» وزیر کشور پاکستان در فرمانی مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۱ مهلت یک ماه‌ای را برای خروج اختیاری حدود ۱٫۷ میلیون تبعه غیر مجاز افغانستانی از پاکستان تعیین کرد. پس از اتمام مهلت مذکور، دولت پاکستان از تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ اقدام به شناسایی، بازداشت و اخراج مهاجران غیر قانونی افغانستان از کشورش کرد. در این برهه، دولت پاکستان همچنین ضمن لغو امکان سفر ساکنان مناطق مرزی افغانستان به پاکستان با شناسنامه و تعیین جریمه برای شهروندانی که اتباع غیر مجاز را استخدام کرده و یا به آنان ملک اجاره می‌دهند، از تمدید توافق خود با سازمان ملل متحد در خصوص مهاجران مستقر در کشورش خودداری کرد.

در نتیجه اقدامات مذکور، پاکستان توانست تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ بیش از ۴۱۹ هزار تبعه غیر مجاز افغانستانی را بازداشت کرده و پس از احراز هویت بیومتریک، آنان را از خاک پاکستان اخراج کند که البته این آمار روزانه در حال افزایش است و عدد آن به بیش از نیم میلیون نفر رسیده است. مهاجران بازداشت شده که از طریق گذرگاه‌های مرزی تورخم در استان ننگرهار، اسپین‌بولدک در استان قندهار، انگوراده در استان پکتیکا، بهرامچه در استان هلمند، دند و پتان در استان پکتیا و زنجیر در استان زابل طرد مرز می‌شوند، تنها مجاز به همراه داشتن ۵۰ هزار روپیه (حدود ۱۸۰ دلار) هستند و از انتقال هرگونه کالا، وسیله و ... به افغانستان منع می‌شوند. این مهاجران پس از ورود به افغانستان توسط «کمیسیون عالی رسیدگی به مشکلات مهاجران » در کمپ‌هایی که در مبادی مرزی نظیر کمپ عمری در مبادی مرزی استان ننگرهار، کمپ‌های بولدک، رحمتی، اسپین‌بولدک، شوراندام و تخته‌پل در مبادی مرزی استان قندهار و ... ایجاد شده است، به صورت موقت مستقر گشته و پس از دریافت کمک‌های مالی (حدود ۱۰ هزار افغانی)، بهداشتی و ... از حکومت طالبان و موسسات بشردوستانه بین‌المللی، به استان‌های مختلف افغانستان اعزام می‌شوند.

اهداف اعلامی و اعمالی پاکستان از اخراج مهاجران

اخراج اتباع غیر مجاز افغانستان از پاکستان که در مهر ۱۴۰۲ آغاز شد و اکنون در حال تداوم و تکمیل است، دارای اهداف آشکار و پنهان برای هر دو کشور افغانستان و پاکستان است که در ادامه به بررسی اهداف اعلامی و اعمالی این اقدام پرداخته می‌شود.

الف) هدف اعلامی

الف.۱) مبارزه با تروریسم: مقامات دولت پاکستان مدعی هستند که از زمان به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، حملات تروریستی تحریک طالبان پاکستان (TTP) در این کشور افزایش ۶۰ درصدی داشته و سبب کشته شدن بیش از ۲۲۰۰ نفر شده است. این دولت مدعیست که ریشه‌های حملات تروریستی مذکور به افغانستان بازمی‌گردد اما طالبان علی‌رغم آگاهی نسبت به این موضوع و درخواست‌های مکرر پاکستان، از برخورد با فرماندهان و عناصر TTP اجتناب می‌کند. البته طالبان پس از به قدرت رسیدن، ابتدا مذاکرات صلح میان دولت پاکستان و طالبان پاکستان را برای ماه‌ها در افغانستان میزبانی کرد و سپس از انتقال اعضای TTP به مناطق مرکزی و شمالی افغانستان خبر داد؛ اما دولت پاکستان از طالبانی که سال‌ها پشتیبانی و حمایت کرده بود، انتظار برخورد جدی‌تری را با TTP داشت.

در هر حال، ادعاهای مذکور پاکستان بدین معناست که دولت این کشور در تلاش است با اخراج اتباع غیرمجاز افغانستانی، طالبان را در همراهی در موضوعاتی از قبیل کنترل TTP تحت فشار قرار دهد.

الف.۲) بهبود وضعیت اقتصاد: دولت پاکستان، بهبود وضعیت اقتصادی را از دیگر عوامل اخراج اتباع غیر مجاز افغانستانی عنوان کرده است. این دولت مدعیست که اتباع مذکور تاکنون بر اقتصاد پاکستان تاثیرات منفی بسیاری گذاشته‌اند لذا با اخراج آنان، وضعیت اقتصادی کشور بهبود خواهد یافت.

ب) اهداف اعمالی

ب.۱) فرافکنی در حوزه اقتصاد: دولت موقت پاکستان اکنون غرق مشکلاتی است که توان مدیریت و حل آن‌ها را ندارد. این دولت به دلیل مشکلات اقتصادی، تورم فراوان، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و ... در معرض انتقادهای بسیار شهروندانش قرار دارد لذا در تلاش است تا مهاجران افغانستانی را از جمله عوامل مهم مشکلات اقتصادی فعلی پاکستان معرفی کرده و برای مدتی از فشارهای مردمی بر خود بکاهد؛ حال آنکه در جامعه حدود ۲۴۰ میلیونی پاکستان، ۱٫۷ میلیون مهاجر غیرقانونی نمی‌توانند تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر وضعیت اقتصادی داشته باشند.

ب.۲) جلب توجه نهادهای بین‌المللی: پاکستان با توجه به بحران‌های اقتصادی خود، در تلاش است از موضوع مهاجرین به عنوان عاملی برای جلب توجه نهادهای بین‌المللی و جذب کمک‌های مالی آنان استفاده کند. در این راستا، دولت پاکستان طرح اخراج مهاجرین را با پوشش وسیع رسانه‌ای آغاز کرد و همچنان نیز ادامه دارد. این قبیل اقدامات پاکستان مسبوق به سابقه بوده و دولت‌های این کشور در مقاطع مختلف بارها تحت عناوینی نظیر مجاهدین افغان، تروریسم، مهاجرین و ... از جامعه بین الملل کمک‌های بسیاری را دریافت کرده‌اند.

ب.۳) مقابله با مدارس دینی افراطی: فعالیت ده‌ها هزار مدرسه دینی خارج از کنترل دولت به‌ویژه در مناطق قبایلی، زمینه افزایش افراطی‌گری و پرورش مسلمانانی که دولت پاکستان را اسلامی نمی‌دانند، فراهم کرده است. این مدارس که به دلیل برخورداری از حمایت‌های مالی خارجی به مأمنی برای فرزندان مهاجران افغانستانی مبدل شده است، تهدیدی جدی علیه امنیت ملی پاکستان محسوب می‌شود. بر این اساس، پاکستان در تلاش است با اخراج مهاجرین افغانستانی، ضمن مقابله با افزایش قدرت مدارس دینی مذکور، مسلمانان افغانستانیِ افراطی و مخالف دولت پاکستان را از خاک خود دور سازد.